گفت‌وگوی «جوان» با برادر جهادگر شهید عبدالله ترابی از شهدای عملیات محرم در ۱۲ آبان ۶۱

شهید شد تا همسنگرانش بی‌سنگر نمانند

شهید ترابی نفر نزدیک به دوربین

مبینا شانلو

شهید عبدالله ترابی جزو اولین افرادی بود که از طرف جهاد به جبهه‌های جنگ اعزام شد. بیشتر رفقایش شهید شده بودند؛ رجب‌بیگی، میرزاخانی، حسین مجد و... همگی از دوستان شهید ترابی بودند که در جبهه‌ها به شهادت رسیدند. عبدالله از قول همرزمانش یک رزمنده شجاع و نترس بود که فقط برای رضای خدا کار می‌کرد. با حاج شیخ محمد ترابی همکلام شدیم تا از سیره زندگی و شهادت برادرش عبدالله ترابی برایمان بگوید.

راننده بولدوزر

پنجم اسفند ۱۳۴۰ نهمین فرزند خانواده ما متولد شد. پدرم نام زیبای عبدالله را برایش انتخاب کرد. بابا خیاط بود و از این راه امور خانواده پرجمعیتش را تأمین می‌کرد. وضعیت اقتصادی خانواده ما معمولی بود. برادرم عبدالله تا پنجم ابتدایی درس خواند و بعد از آن برای یادگیری حرفه به تهران رفت تا بتواند برای خودش کسب و کاری پیدا کند. در حرفه مکانیکی خودرو مشغول شد و پس از مدتی به زادگاهش برگشت. دوران سربازی عبدالله با جنگ تحمیلی همزمان شده بود. برادرم با شور و علاقه خاصی راهی جبهه شد. در قالب نیروهای جهادی به سربازی اعزام شد و در طول دو سال در عملیات مختلف و مناطق گوناگون حضور داشت. عبدالله راننده بولدوزر بود و همیشه خط‌شکن و جلودار بود.

بازی‌های کودکانه

برادرم انسان بسیار متدین، سختکوش و در عین حال شجاعی بود. به همه محبت می‌کرد. مخصوصاً خواهر بزرگش. بچه آرامی بود و بیشتر ارتباط و دوستی‌هایش با برادر و خواهرهایش بود و با آنها در خانه بازی می‌کرد. بیشتر اوقات خود را به بازی‌های کودکانه و کمک به والدین می‌گذراند. بزرگ‌تر که شد در مغازه خیاطی پدرمان مشغول شد. از باغ برای گوسفندها علف می‌آورد. وقتی هم کاری نداشت، یا بازی می‌کرد یا کتاب می‌خواند. مثل بقیه کودکان بود. فرقی با بقیه بچه‌ها نداشت. تحملش در برابر سختی‌ها و مشکلات بالا بود. عبدالله در فعالیت‌های اجتماعی هم شرکت می‌کرد. مسجد می‌رفت و در دوران انقلاب در راهپیمایی‌ها فعالیت چشمگیری داشت.

حضور در جبهه تأثیر زیادی در روحیاتش گذاشته بود. یک بار در جبهه مجروح شده بود که برای استراحت به خانه آمد. خودش ترکش‌ها را از دستش بیرون می‌آورد! به فکر این بود که زودتر خوب شود تا بتواند به جبهه برگردد. با اینکه مرخصی او تمام نشده بود و خانواده به او اصرار می‌کردند که تا پایان مرخصی بماند، می‌گفت الان وقت دید و بازدید نیست. باید به جبهه رفت. آنجا به من نیاز دارند. بعد با همان جراحت به منطقه برگشت.

> عبدالله پس از دو سال حضور در جبهه ۱۲ آبان ۶۱ در عملیات محرم و در منطقه عین‌خوش وقتی روی لودر در حال احداث خاکریز بود، بر اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن به شهادت رسید. آرزویش این بود که شهید شود و حتی بعد از شهادت هم پیکرش مفقود باشد

احداث خاکریز

عبدالله پس از دو سال حضور در جبهه ۱۲ آبان ۶۱ در عملیات محرم و در منطقه عین‌خوش وقتی روی لودر در حال احداث خاکریز بود، بر اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن به شهادت رسید. آرزویش این بود که شهید شود و حتی بعد از شهادت هم پیکرش مفقود باشد. برادرم جزو اولین افرادی بود که از طرف جهاد به جبهه اعزام شدند. بیشتر رفقایش شهید شده بودند. شهید رجب‌بیکی، میرزاخانی، شهید حسین مجد و... . بعد از شهادت عبدالله یک شب او را در خواب دیدم. به او گفتم عبدالله! چطور شهید شدی؟ گفت من بالای لودر بودم. مرا لای پتو پیچیدند و آوردند پایین گوشه دیوار گذاشتند. بعد هم دیگر هیچ‌چیز متوجه نشدم. خوابم را برای شهید مهدی باقریان تعریف کردم. گفت: «واقعیت همین بود. با اینکه یک قسمت از سرش رفته بود، اما قلبش هنوز می‌زد.» یکی از دوستانش به من گفت: «عبدالله وقتی می‌خواست به عملیات برود غسل شهادت کرد. فردای آن روز خبر دادند که عبدالله شهید شده و بعد از چند روز جنازه او را همراه پیکر سید محمد ترابی و شهید عباسی به دامغان آوردند و این سه شهید را با هم تشییع کردند.»

می‌خواهم شهید شوم!

یکی از دوستانش تعریف می‌کرد: «در منطقه عین‌خوش بودیم. عبدالله صبح روز قبل از عملیات در حال غسل کردن بود. گفتم چه خبر؟ گفت می‌خواهم شهید بشوم. لبخند زدم اما حرفش را جدی نگرفتم. سر شب باران تندی گرفت. همه جا پر از آب شده بود و خیال دشمن راحت که حمله نمی‌کنیم. در همین حال دستور حمله داده شد و بچه‌های بسیجی خط را شکستند. بچه‌های جهادی هم به یاری‌شان آمدند تا هر جا که لازم باشد خاکریز بزنند. شهید عبدالله از ساعت ۱۲ شب تا ۵ صبح پشت فرمان بود و یکریز کار می‌کرد. حدود ساعت ۵ صبح خمپاره‌ای کنارش اصابت کرد و خاک بلند شد. به طرفش دویدم. خون از بدنش جاری بود. صدایش در گوشم پیچید که می‌گفت می‌خواهم شهید شوم، دارم غسل می‌کنم...»

> ساعت ۱۲ شب تا ۵ صبح پشت فرمان بود و یکریز کار می‌کرد. حدود ساعت ۵ صبح خمپاره‌ای کنارش اصابت کرد و خاک بلند شد. به طرفش دویدم. خون از بدنش جاری بود. صدایش در گوشم پیچید که می‌گفت می‌خواهم شهید شوم، دارم غسل می‌کنم...

خاطره

خاطراتی از شهید رضا کیفری که ۱۲ آبان ۶۲ آسمانی شد

پیکر رضا سال‌ها مهمان خاک‌های پنجوین بود

نرگس انصاری

به همت ستاد کنگره سرداران و ۳ هزار شهید استان سمنان با خانواده شهید رضا کیفری آشنا شدیم. شهید کیفری جوان بود و پرشور. با همان سن کمش ندای ولی امر زمانش را لبیک گفت و راهی جبهه شد. خیلی زود هم به آرزویش رسید و شهید مفقوالاثر شد. شدت آتش دشمن به بچه‌ها اجازه نداد تا پیکر همرزمان شهیدشان را به عقب منتقل کنند. در نهایت پیکر رضا ۱۰ سال مهمان خاک‌های پنجوین بود و در سال ۷۲ تفحص شد. آنچه در پی می‌آید روایتی است از زبان برادرش حسین کیفری.

۱۳ آبان ۵۷

برادرم رضا کیفری هشتم اردیبهشت ۱۳۴۶ در تهران به دنیا آمد. با سن کمی که داشت در آغاز انقلاب اسلامی و مبارزه علیه رژیم پهلوی به همراه برادرش در راهپیمایی و تظاهرات شرکت می‌کرد. نمونه بارز آن شرکت در تظاهرات ۱۳ آبان ۵۷ بود.

موقعی که جنگ شروع شد، برادرم تازه وارد دبیرستان شده بود. با اینکه دانش‌آموزی درسخوان بود، اما نتوانست به ندای امام لبیک نگوید و تصمیم گرفت با تعدادی از همکلاسی‌هایش به جبهه بروند. دوره سه ماهه مأموریتش به پایان رسیده بود که با تمدید مأموریت مدت کوتاهی به مرخصی آمد و دوباره به جبهه برگشت.

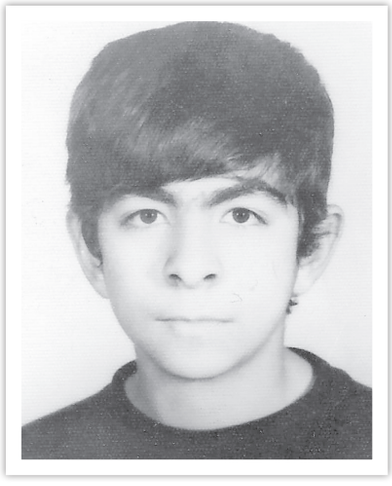

ما تازه به گرمسار آمده بودیم. وقتی از جبهه برگشته بود. من را صدا کرد و گفت: «می‌خواهم یک چیزی به شما بگویم، ولی به مادر نگو!» گفتم: «چی می‌خواهی بگویی؟» گفت: «مأموریتم را سه ماه دیگر تمدید کردم، برای اینکه به ما قول شرکت در عملیات را دادند. ان‌شاءالله بعد از مرخصی به جبهه بر می‌گردم!»

پنجوین -والفجر ۴

سرانجام برادرم در ۱۲ آبان ۶۲ در منطقه عملیاتی والفجر ۴، در منطقه عمومی پنجوین عراق به شهادت رسید. اما پیکر او زیر آتش سنگین دشمن، باقی ماند و انتقال آن به عقب ممکن نبود. پیکر مطهرش بعد از ۱۰ سال تفحص شد و به آغوش خانواده بازگشت.

آماده باش صددرصد

در یکی از دستنوشته‌های شهید می‌خوانیم که «ساعت هشت و ۳۰ دقیقه شب بود که تازه از نماز آمده بودم. دوباره تانک عراقی شروع کرد به کوبیدن و گلوله‌باران کردن مواضع. فکر کردیم که عراقی‌ها خیال تک زدن دارند. نوبت نگهبانی من شد. پاس دو بودم که برادر جمال به سنگر آمد و گفت: «امشب آماده‌باش صددرصد.» ما هم گفتیم: «حاضریم.» چند تا نارنجک دم دست گذاشتم و اسلحه‌ام را آماده کردم. حاضر بودم تا عراقی‌ها یک قدم جلو بیایند که متأسفانه اینطور نشد و تا صبح هم هیچ خبری نشد. خیلی ناراحت شدیم که چرا عراقی‌ها جلو نیامدند تا درسی به آنها بدهیم که دیگر از این غلط‌ها نکنند.

فرازی از وصیتنامه شهید

خدا شما امت مسلمان را مورد آزمایش قرار داده تا ببیند آیا از رهبر و ولایت اطاعت می‌کنید یا همچون اهل کوفه امام خود را تنها می‌گذارید؟! پس خود را مانند قبل در خط امام و ولایت قرار دهید تا در آخرت در مقابل امام حسین سرافراز باشید!

به امام حسین بگویید: «اگر ما در کربلا نبودیم تا تو را یاری کنیم، اما از فرزندت خمینی اطاعت و اسلام را یاری کردیم و راه تو و ۷۲ تن یار باوفایت را ادامه دادیم.» به شما توصیه می‌کنم: «در مورد واقعه کربلا بیشتر مطالعه کنید و ببینید چگونه امام حسین و یارانش مظلومانه به دست کفار شهید شدند.

بروید خانواده‌هایی را که چهار پنج جوان خود را در جنگ از دست داده‌اند ببینید، آن وقت متوجه می‌شوید واقعاً من در مقابل آنها هیچ هستم.»

نگاه

نگاهی به عملیات والفجر ۴ در مهر و آبان سال ۶۲

روزی که ۲۰۰ اسیر ایرانی از دست ضد انقلاب آزاد شدند

زهرا محمدزاده

عملیات والفجر ۴ یک عملیات متوسط اما خونین در جبهه میانی بود که عمده‌ترین هدف آن تصرف دره شیلر و انهدام دشمن در شهر پنجوین عراق بود. دره شیلر یک فرو رفتگی در داخل خاک ایران است که به خاطر تعلق آن به کشور عراق، در دوران دفاع مقدس مرکزی برای حضور پر تعداد ضد انقلاب شده بود و آنها از رسوخ این دره به خاک ایران، برای ضربه زدن به رزمندگان استفاده می‌کردند. والفجر ۴ انجام شد تا برای همیشه به اوضاع این دره خاص، سر و سامان داده شود.

سال والفجرها

در سال ۱۳۶۲، چند عملیات با نام والفجر انجام گرفت. بهار این سال عملیات والفجر یک در منطقه فکه اولین عملیات با نام والفجر بود (زمستان سال قبل، ۱۳۶۱، والفجر مقدماتی در همین منطقه فکه انجام گرفته بود) سپس عملیات والفجر ۲ در تابستان ۶۲ که در منطقه حاج عمران صورت گرفت، عملیات والفجر ۳ باز در تابستان ۶۲ و عملیات والفجر ۴ که پاییز ۶۲ در استان سلیمانیه عراق انجام گرفت.

یک ماه عملیات

یکی از خصوصیات عملیات والفجر ۴، مدت زمان آن است که تقریباً یک ماه به طول انجامید. از ۲۷ مهرماه که عملیات آغاز شد تا ۳۰ آبان ماه ادامه یافت و اگر درگیری‌های پراکنده روزهای پس از اتمام عملیات را به حساب آوریم، تقریباً هر سه ماه پاییز سال ۶۲، رزمندگان درگیر این عملیات طولانی‌مدت بودند.

آزادی ۲۰۰ اسیر ایرانی

یکی از مسائلی که باعث می‌شد عملیات والفجر ۴ برای رزمندگان شرکت‌کننده حائز اهمیت باشد، وجود اسرای ایرانی در زندان‌های ضد انقلاب در دره شیلر و بلندی‌های مشرف به آن بود. از آنجایی که دره شیلر یک خانه امن برای ضد انقلاب و جدایی‌طلب‌ها به شمار می‌رفت، آنها تعداد قابل توجهی از زندانی‌های خود را که غالباً از رزمندگان بودند، آنجا نگهداری می‌کردند. طی عملیات والفجر ۴ چیزی در حدود ۲۰۰ تن از رزمندگان که توسط ضد انقلاب به اسارت درآمده بودند، آزاد شدند و به آغوش گرم خانواده‌هایشان برگشتند. علاوه بر آن حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر نیز از نیروهای دشمن نیز به اسارت رزمندگان درآمدند.

> یکی از مسائلی که باعث می‌شد عملیات والفجر ۴ برای رزمندگان شرکت‌کننده حائز اهمیت باشد، وجود اسرای ایرانی در زندان‌های ضد انقلاب در دره شیلر و بلندی‌های مشرف به آن بود

آزادسازی هزار کیلومتر

پس از آنکه رزمندگان توانستند تلفات قابل توجهی به دشمن وارد کنند، در تعاقب اهداف عملیات که رسوخ به دره شیلر و تحت کنترل درآوردن شهر پنجوین عراق بود، با آزادسازی حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران و عراق، مناطقی چون ارتفاعات مارو، گرمک، خلوزه، براله و سربراله، کنگرک، لری، سه درختی، تخم مرغی، پادگان گرمک، شهرک هرگنه، تپه شهدا، هفت توانان، پنجوین، کانی مانگا و منطقه وسیع دره شیلر و همینطور شهر پنجوین و چندین روستای عراقی تحت کنترل رزمندگان درآمدند.

کسی اینقدر عاشق

یکی از جلوه‌های عملیات والفجر ۴، سخنرانی تاریخی شهید همت در خصوص این عملیات است که چون گنجینه‌ای در دیباچه دفاع مقدس به یادگار مانده است. در یادکردی از این عملیات غرورآفرین، بخشی از سخنان شهید همت را تقدیم حضورتان می‌کنیم: «ما باید ثابت قدم باشیم. خدا شاهد است این صحنه‌هایی که دارد از مقابل چشمان ما می‌گذرد، کمتر از صحنه‌های صدر اسلام نیست. در صدر اسلام، آقا اباعبدالله (ع) ۷۲ تن یار داشت. همه‌اش ۷۲ تن بودند که می‌روند شهید می‌شوند. الان چیز دیگری دارد اتفاق می‌افتد. صحنه‌ای از بچه‌های تخریب لشکر برایتان تعریف کنم. در مرحله دوم رسیدند به سیم خاردار. یکی در گردان مالک روی سیم خاردار می‌خوابد و می‌گوید: «پایتان را روی من بگذارید و رد شوید. بچه‌های بسیج پا روی پشتش می‌گذارند و می‌گذرند. او روی سیم خاردار می‌میرد. یک مین زیر شکمش منفجر می‌شود و شهیدش می‌کند. کسی اینقدر عاشق؟ مگر عشق بدون شناخت می‌شود؟ عشق بدون شناخت معنا ندارد...»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۳۳۸

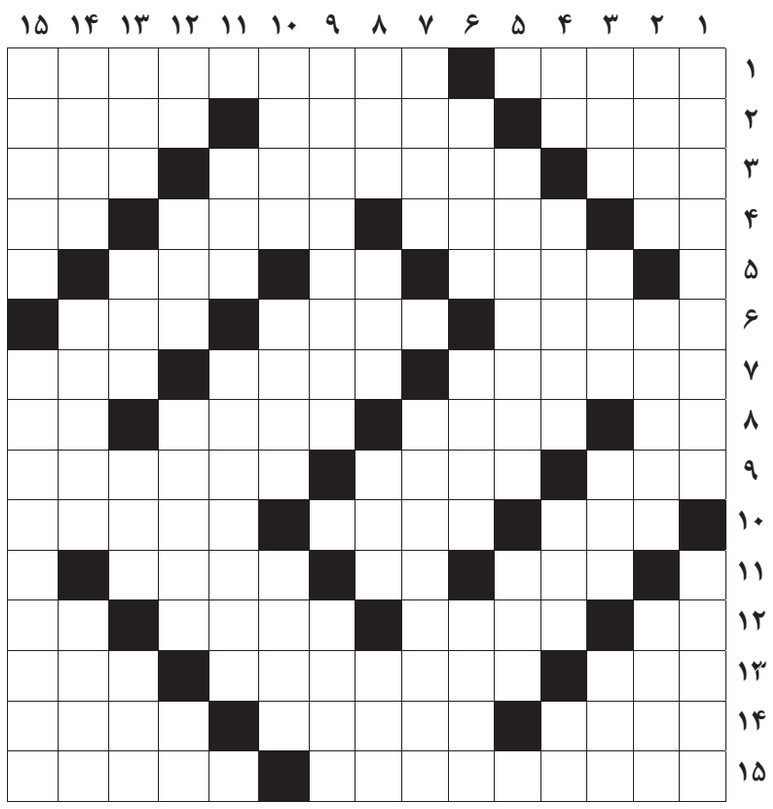

از راست به چپ

■ ۱- بایکوت- نشانه مرغوبیت کالا ■ ۲- واحدی برای اندازه‌گیری وزن فلزات گرانبها- رشته کوهی بین فرانسه و اسپانیا- سرباز روس تزاری ■ ۳- ازالقاب اروپایی- پایتخت نیکاراگوئه- نهنگ آذری ■ ۴- نوعی ویتامین- نخراشیده- صد سال سیاه- بندگی ■ ۵- نان از شب مانده- شاه شاعرانه- صدای موتور نامیزان ■ ۶- آدمی- شجاع- از تقسیمات نظامی ■ ۷- اولین رئیس جمهور روسیه- دیکته- مرزبان ■ ۸- پوزه- نوعی ظرفیت برای کارخانه‌ها- از القاب امام موسی کاظم- اسم آذری ■ ۹- دودکش- شهری در چرخ خیاطی- از مشاغلی که بسیار مورد توجه دانش‌آموزان است ■ ۱۰- موشک ضد کشتی ایرانی- بی مذهب- بختک ■ ۱۱- بن بست بدن- رخسار- کوه آتشفشانی ایتالیا ■ ۱۲- سخن صریح- نویسنده فرانسوی طاعون- نمایش نشده- خرس آسمانی ■ ۱۳- آبفشان حمام- از آهنگ های موسیقی- از همسران حضرت یعقوب ■ ۱۴- مسافر سرزمین عجایب- نمک سازگار با غده تیرویید- کوژ ■ ۱۵- بید- استانی در عراق

از بالا به پایین

■ ۱- تابلویی از کمال‌الملک، نقاش بزرگ ایرانی- ماه بهاری ■ ۲- زن بهشتی- نام کوچک ماندلا- خنک کننده اتاق ■ ۳- زرنگ- میخ دوپا- ناکس- رئیس قبیله ■ ۴- تصدیق انگلیسی- موسیقیدان عصر ساسانی- گوسفند جنگی- واحد بازی تنیس ■ ۵- ترکیب و ساختمان چیزی- برملا کردن راز ■ ۶- قومی که سلسله اشکانی را تشکیل داد- مظهر- هیجان‌آور ■ ۷- مرآت- حیرت کردن در اثر واقعه عجیب ■ ۸- خانه- زمستان- گل سرخ- جادوی بی سر ■ ۹- حیاتی‌ترین آبراه خاورمیانه- اثر و رد ■ ۱۰- معشوق و محبوب- قصاب- رود کارها ■ ۱۱- حرف شرط- به پیروان ادیانی گفته می‌شود که پیامبر آنان دارای کتابی الهی بوده است ■ ۱۲- مردن بر اثر غصه- روغن زیتون- مرد خداشناس- شراب ■ ۱۳- زمان بی آغاز- قاصد- خودداری کردن- آهنگ سخن ■ ۱۴- شهری در کرمان- آلت موسیقی شستی‌دار- ملکه افسانه‌ای روم و بنیانگذار کارتاژ ■ ۱۵- آخرین شاعر بزرگ دوره سامانی- پایتخت اتیوپی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۱			۲	۸	
	۷		۵				۹	
	۳	۸	۹				۷	
					۴			
۶						۷		
۸					۳	۱		۹
				۶				۴
۳		۲						
	۴	۹		۲		۵		

جدول کلمات متقاطع
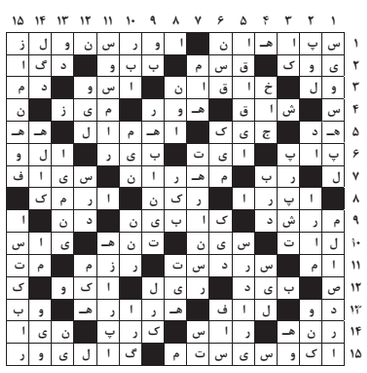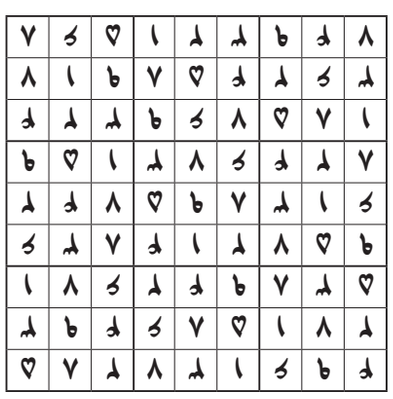
پاسخ جدول شماره ۶۳۳۷